

تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها^۱ در زبان فارسی: طبقه‌بندی معنایی

ارسلان گل‌فام^{۱*}، غلامرضا محیی‌الدین قمشه‌ای^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. عضو هیئت علمی بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، تهران، ایران

دریافت: ۹۰/۶/۷

پذیرش: ۹۰/۶/۲۳

چکیده

در این پژوهش ویژگی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌های فارسی در چارچوب نظریه تصویریگونگی به‌طور عام و اصل تصویریگونگی کمیت به‌طور خاص بررسی شده است. مطالعات انجام‌شده در باب ویژگی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌ها در اغلب زبان‌ها، حاکی از ارتباط این نوع ساخت با معانی/ مفاهیمی همچون فزونی، کثرت، شدت، تداوم، تکرار، کمال، تمامیت، توزیع و... است. از این‌رو، هدف این پژوهش، نشان دادن ارتباط دوگان‌ساخت‌های فارسی با معانی/ مفاهیم یادشده و تبیین این ارتباط در چارچوب نظریه تصویریگونگی، اصل تصویریگونگی کمیت و مدل تجدیدنظرشده «ریگر» است. این مهم پس از پژوهشی گسترده در باب رابطه صورت و معنای دوگان‌ساخت‌های فارسی، در قالب یک طبقه‌بندی معنایی (جدول‌های ۲-۶) محقق شده است.

واژه‌های کلیدی: دوگان‌سازی^۱، دوگان‌ساخت‌ها، تصویریگونگی^۲، اصل کمیت^۳، اصل پیچیدگی^۴، زبان فارسی، گسترش معنایی^۵، تکرار نحوی.

۱. مقدمه

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ویژگی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌ها در زبان فارسی، طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس ویژگی‌های معنایی‌شان و نشان دادن همگونی‌ها و مشابهت‌های معنایی

Email: golfamar@modares.ac.ir

*نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی،

صندوق پستی: ۱۳۹-۱۴۱۱۵

دوگان ساخت‌های فارسی با دوگان ساخت‌های سایر زبان‌هاست. در عین حال، اثبات ارتباط میان دوگان ساخت‌ها با معانی / مفاهیمی مانند افزایش، کثرت، شدت، تداوم، تکرار، تأکید، انبوهی، کمال، تمامیت، پراکندگی و... در زبان‌های مختلف از جمله فارسی، تأییدی است بر انگیزه بودن این‌گونه ساخت و دخالت اصل تصویرگونگی - به‌ویژه اصل تصویرگونگی کمیت - در ایجاد این گرایش جهانی. با این مقدمه، فرضیه اصلی این پژوهش این است که رابطه صورت و معنا در دوگان ساخت‌های فارسی رابطه‌ای است تصویرگونه که در چارچوب اصل تصویرگونگی کمیت قابل توصیف و تبیین است و پرسش‌های آن نیز به شرح زیر است:

۱. آیا دوگان ساخت‌های فارسی ساخت‌هایی تصویرگونه‌اند؛ به بیان دیگر آیا می‌توان در چارچوب اصول تصویرگونگی به‌ویژه اصل تصویرگونگی کمیت، ساختار این نوع ساخت را در زبان فارسی توصیف و تبیین کرد؟
 ۲. آیا ارتباط با معانی / مفاهیمی همچون افزایش، فزونی، تداوم، تکرار، توزیع و غیره - به‌عنوان گرایشی جهانی - در دوگان ساخت‌های فارسی نیز به چشم می‌خورد؟
 ۳. آیا می‌توان دوگان ساخت‌های فارسی را بر اساس معانی / مفاهیم جهانی دوگان ساخت‌ها طبقه‌بندی کرد؟
- قبل از پرداختن به بررسی معنایی دوگان ساخت‌ها در چارچوب نظریه و مدل «ریگر» (1998)، طرح برخی مباحث اولیه و مقدماتی در باب دوگان ساخت‌ها ضروری می‌نماید.

۲. پیشینه پژوهش

نتایج مطالعات انجام‌شده در باب ویژگی‌های دوگان ساخت‌ها در زبان‌های مختلف، اغلب مؤید تأثیر و نقش انگیزه تصویرگونگی در تعیین معانی / مفاهیم مرتبط با این‌گونه ساخت‌ها بوده و نشان داده‌اند چگونه دامنه معانی اولیه مرتبط با دوگان ساخت‌ها از طریق فرایند گسترش معنایی توسعه می‌یابند و معانی / مفاهیم دیگری را دربرمی‌گیرند.

پژوهش‌های ریگر^۷ (1998)، زانگ^۸ (1999)، تسائو^۹ (2001) و کنرادی^{۱۰} (2003) در زمره مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه هستند. کنرادی (2003) در بررسی معنایی دوگان ساخت‌ها در زبان آفریکانز^{۱۱}، بر اهمیت دوگان ساخت‌ها در اثبات نظریه تصویرگونگی تأکید دارد. همچنان

که لیکاف^{۱۲} و جانسون^{۱۳} (1980) و نیز هیراگارا^{۱۴} (1994)، دوگان‌ساخت‌ها را بهترین تجلی و نمود اصل تصویرگونگی کمیت می‌دانند و کاربرد جهانی دوگان‌ساخت‌ها برای بیان معانی/ مفاهیمی مانند جمع^{۱۵}، افزایش کمی^{۱۶}، تکرار^{۱۷} و شدت^{۱۸} را در ارتباط با اصل تصویرگونگی کمیت تبیین می‌کنند.

علی‌رغم تنوع صوری دوگان‌ساخت‌ها در زبان‌های مختلف، مشترکات معنایی جهانی آن‌ها چنان چشمگیر است که تبیین علمی و مستند این مشابهت‌ها بدون تکیه بر نظریه تصویرگونگی، به‌ویژه اصل تصویرگونگی کمیت امکان‌پذیر نیست. مقاله شقاقی با عنوان «فرایند تکرار در زبان فارسی» (۱۳۷۹) در زمره کامل‌ترین مطالعات درباب دوگان‌ساخت‌ها در زبان فارسی است. هرچند در این پژوهش معانی/ مفاهیم اصلی مرتبط با دوگان‌ساخت‌های فارسی مورد توجه قرار گرفته‌اند، با توجه به هدف اصلی آن، اغلب ساختار صوری دوگان‌ساخت‌های فارسی بررسی و تحلیل شده است. قمشی و دیگران^{۱۹} (2006) در پژوهشی با عنوان «دوگان‌سازی در زبان فارسی: رویکرد مضاعف‌سازی صرفی^{۲۰}»، ساختار صوری دوگان‌ساخت‌های فارسی را در چارچوب نظریه «مضاعف‌سازی صرفی^{۲۱}» (Inkelas & Zoll, 2000 & 2005) بررسی و تحلیل کرده‌اند.

۳. تعریف دوگان‌سازی

هسپلمث^{۲۲} دوگان‌سازی را فرایندی صرفی می‌داند که بر اثر عملکرد آن، بخشی از پایه یا کل آن مضاعف می‌شود (2002: 274). با چنین تعریفی، دوگان‌سازی فرایندی است محدود به سطح صرف و شامل فرایندهای مضاعف‌سازی (تکرار) در دیگر سطوح دستور مانند سطح نحو (تکرار نحوی) و سطح آوایی (نام‌آوای مضاعف) نمی‌شود.

هرچند فرایند تکرار (مضاعف‌سازی) ابزاری است صوری که می‌تواند در سطوح مختلف دستور عمل کرده، ساخت‌های مضاعف تولید کند، عدم تفکیک سطوح در عملکرد فرایند تکرار موجب ارائه تحلیل‌های نادرست از دوگان‌سازی و درهم‌آمیختن عناصر مضاعفی می‌شود که لزوماً باید هریک به‌طور مجزا در سطح دستوری مربوط به خود بررسی و تحلیل شوند. در نظام صرفی اغلب زبان‌ها، دوگان‌سازی فرایندی است ساخت‌واژی که بر اثر عملکرد آن، واژه‌های جدید ساخته می‌شود. در این فرایند، ستاک واژه یا بخشی از آن مضاعف می‌شود و



واژه جدیدی به وجود می‌آید.

مارانتز^{۲۳} دوگان‌سازی را این‌گونه تعریف کرده است: «دوگان‌سازی فرایندی است صرفی که بر اثر عملکرد آن یک صورت مشتق از یک پایه یا ستاک اشتقاق می‌یابد؛ درحالی که وند افزوده شده همان پایه یا جزئی از آن پایه می‌باشد.» (1982: 437). به نظر اسپنسر^{۲۴}، فرایند دوگان‌سازی مانند دیگر انواع وندافزایی^{۲۵}، فرایندی است افزایشی که در آن تمام یا جزئی از عنصر افزوده شده را پایه تعیین می‌کند (1991: 13). بخش تکرار شده می‌تواند در سمت راست یا سمت چپ و یا حتی گاهی در میانه پایه جای گیرد. اُگردی و گوسمان^{۲۶} نیز دوگان‌سازی را چنین تعریف کرده‌اند: «دوگان‌سازی فرایندی است صرفی که بر اثر عملکرد آن، تمام و یا بخشی از پایه تکرار شده و واژه‌ای جدید ساخته می‌شود.» (1996: 143). آرونف^{۲۷} نیز فرایند دوگان‌سازی را در زمره قواعد واژه‌سازی به‌شمار آورده و معتقد است نمی‌توان آن را قاعده‌ای واجی دانست؛ چرا که هیچ‌یک از انواع این فرایند به بافت آوایی خاصی پایبند نیستند (1976: 64).

۴. تفاوت‌های تکرار نحوی^{۲۸} و دوگان‌سازی

با آنکه فرایند تکرار (مضاعف‌سازی) به‌عنوان ابزاری صوری می‌تواند در هریک از سطوح مختلف دستور عمل کرده، ساخت‌های مکرر متناسب با آن سطح را تولید کند و نیز با اینکه در بعضی موارد تمایز ساخت‌های حاصل از عملکرد فرایند تکرار - در سطوح مختلف دستور از یکدیگر - کار آسانی نیست؛ با این حال عدم تفکیک نظری و عملی ساخت‌های حاصل از عملکرد فرایند تکرار در سطوح مختلف یعنی سطح آوایی (← نام‌آواها)، سطح صرف (← دوگان‌ساخت‌ها) و سطح نحو (← گروه‌ها یا واژه‌های مکرر) موجب ارائه تحلیل‌ها و طبقه‌بندی‌های نادرستی از این‌گونه ساخت‌ها شده است. حتی در مواردی از این تحلیل‌ها، ترکیب‌های منجمد دوتایی^{۲۹} و ساخت‌های همپایه دوتایی^{۳۰} را همراه با دوگان‌ساخت‌ها، نام‌آواها و واژه‌های مکرر به‌اشتباه در یک طبقه جای داده‌اند. کوونبرگ در تمایز میان دوگان‌ساخت‌های کامل با ساخت‌های حاصل از تکرار نحوی، توجه به این نکته را ضروری می‌داند: «در مورد یک ساخت نحوی مکرر ما با دو واژه یکسان، ولی مستقل سروکار داریم؛ درحالی که دوگان‌ساخت کامل واژه‌ای است واحد که دارای دو جزء تشکیل‌دهنده یکسان، ولی غیرمستقل است.» (Kouwenberg, 2003: 2).

هوتر و هوتر عامل تعیین‌کننده در تمایز میان این دو نوع ساخت را انسجام یا عدم انسجام آوایی^{۳۱} آن‌ها دانسته و چنین گفته است:

در فرایند دوگان‌سازی همواره تمام و یا جزئی از یک واژه تکرار می‌شود و حاصل فرایند نیز واژه‌ای است واحد و دارای الگوی تکیه‌ای خاص واژه‌ای منفرد؛ درحالی که در ساخت مکرر نحوی هریک از دو واحد از ویژگی‌های آوایی و معنایی واژه‌ای مستقل برخوردارند (Hutter & Hutter, 1997: 395-396).

ژیل دوگان‌ساخت‌ها و ساخت‌های حاصل از تکرار نحوی را ساخت‌هایی متفاوت دانسته است. او فهرستی از تفاوت‌های میان این دو نوع ساخت را به‌عنوان معیارهای تمایز در قالب جدول شماره یک ارائه کرده و در ادامه چنین نوشته است:

در زبان‌هایی که مرز میان واژه‌ها مشخص و شناسایی آن‌ها آسان است، بازشناسی دوگان‌ساخت‌ها از ساخت‌های نحوی مکرر نیز کاری است آسان و قطعی؛ اما برعکس، در زبان‌هایی که مرز میان واژه‌ها نامشخص و غیرقطعی است، بازشناسی دوگان‌ساخت‌ها از ساخت‌های نحوی مکرر نیز کاری است مشکل و غیرقطعی (Gil, 2005: 31).

جدول ۱ معیارهای تمایز میان دوگان‌ساخت‌ها از ساخت‌های مکرر نحوی

تکرار نحوی	دوگان‌سازی	معیار
بیش از یک واژه	یک واژه	واحد خروجی
دارد/ ندارد	ندارد	تأکید ارتباطی
تصویرگونه یا قراردادی	تصویرگونه یا خنثی	معنا
محدودهٔ بیش از یک گروه آهنگین	محدودهٔ یک گروه آهنگین	گسترهٔ آهنگ واحد خروجی
مجاور یا با فاصله	مجاور	مجاورت عناصر (مکرر)
دو یا بیشتر	دو	تعداد عناصر مکرر

(برگرفته از 33: ibid)

۵. تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها

اغلب پژوهشگران حوزهٔ تصویرگونگی صرفی، اصل تصویرگونگی کمیت را مؤثرترین انگیزه در فرایند دوگان‌سازی و شکل‌گیری دوگان‌ساخت‌ها می‌دانند؛ اصلی که قائل به وجود رابطهٔ مستقیم میان افزایش کمیت صورت با افزایش کمیت معناست. به بیان دیگر، بر مبنای این اصل، کمیت‌های



افزون‌تر معنا در قالب کمیت‌های افزون‌تر صورت نمود پیدا می‌کنند. بوتاً تصویرگونگی فرایند دوگان‌سازی را چنین توصیف می‌کند: «دوگان‌سازی فرایندی است ساخت‌واژی که شاخص و نشان‌دهنده تصویرگونگی محسوب می‌شود؛ زیرا در این ساخت صرفی صورت و معنا به‌لحاظ کمی با هم همگونی دارند.» (Botha, 1998: 3). به بیان دیگر، ارتباط میان پایه و دوگان‌ساخت عیناً مانند رابطه میان مدلول‌های این دو است.

۶. اصل تصویرگونگی پیچیدگی^{۳۲}

بازنمون معانی / مفاهیم پیچیده‌تر در قالب ساختارهای صوری پیچیده‌تر نیز کاملاً در مورد دوگان‌ساخت‌ها صادق است؛ زیرا واژه دوگان‌ساخت- که به‌لحاظ صورت نسبت به پایه خود پیچیده‌تر است- به‌لحاظ معنایی / مفهومی نیز در مقایسه با پایه، پیچیدگی بیشتری دارد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بر اساس دو اصل از اصول تصویرگونگی- اصل تصویرگونگی کمیت و اصل تصویرگونگی پیچیدگی- دوگان‌ساخت‌ها، ساخت‌هایی تصویرگونه‌اند.

در تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها، دو وجه صوری و معنایی را می‌توان مانند دو روی یک سکه در نظر گرفت؛ به‌گونه‌ای که درجه تصویرگونگی دوگان‌ساخت می‌تواند تحت‌تأثیر هر یک از دو وجه- صوری یا معنایی- به‌تنهایی و یا هر دو وجه به‌طور هم‌زمان، تغییر کند. وجه صوری تصویرگونگی به درجه همانندی پایه و عنصر افزوده^{۳۳} (عنصر دوگانی) اشاره دارد. بالاترین درجه تصویرگونگی صوری زمانی محقق می‌شود که پایه به‌طور کامل تکرار شود و هیچ‌گونه تغییر صوری دیگری نیز رخ ندهد (مثل: بزنبزن، هرکی‌هرکی، راه‌راه، پاره‌پاره، بکش‌بکش، نره‌ذره. نک. جدول ۲ و ۵). اما در فرایند دوگان‌سازی ناقص (مثل: لباس‌مپاس، کتاب‌متاب، سکه‌مکه. نک. جدول ۳) فقط جزئی از پایه تکرار می‌شود؛ همچنین بروز برخی تغییرات صوری در پایه یا عنصر افزوده امکان‌پذیر است؛ تغییراتی که بر تفاوت‌های صوری میان پایه و عنصر افزوده می‌افزاید و موجب کاهش درجه شفافیت صوری و به‌دنبال آن، درجه تصویرگونگی دوگان‌ساخت می‌شود.

به‌لحاظ وجه معنایی نیز زمانی دوگان‌ساخت از بالاترین درجه تصویرگونگی برخوردار است که دربردارنده این معانی / مفاهیم باشد:

۱. فزونی / افزایش (مثال: پاره‌پاره، جورواجور، راه‌راه، پیچ‌پیچ، تودرتو، سوراخ‌سوراخ. نک.

جدول ۲):

۲. تکرار/ تداوم (مثال: پرسان پرسان، بخوربخور، بزنبزن، بگیربگیر. نک. جدول ۴).
انعکاس معانی/ مفاهیم متفاوت با مفاهیم یادشده (معانی/ مفاهیمی که با ساخت صوری
دوگان ساخت همخوانی نداشته باشد) از درجه تصویرگونگی دوگان ساخت می‌کاهد.
کونبرگ و لاشریته^{۳۴} (2001) برای تصویرگونگی دوگان ساخت‌ها پیوستاری (شکل ۱) را
پیشنهاد کرده‌اند؛ پیوستاری که متنهالیه سمت راست آن نشان‌دهنده بالاترین درجه
ناتصویرگونگی و تیرگی است و متنهالیه سمت چپ آن نمودار بالاترین درجه شفافیت و
تصویرگونگی است. دوگان ساخت‌های مختلف برحسب درجه شفافیت و تصویرگونگی‌شان، در
نقاط مختلف این پیوستار جای می‌گیرند. در موارد نادر ممکن است با دوگان ساخت‌هایی روبه‌رو
شویم که هم به لحاظ صوری و هم به لحاظ معنایی، کاملاً تیره و ناتصویرگونه باشند و در
متنهالیه سمت راست پیوستار جای گیرند.



شکل ۱ پیوستار تصویرگونگی دوگان ساخت‌ها

(kouwenberg & Lacharité, 2001)

۷. تصویرگونگی دوگان ساخت‌ها مدل ریگر

در طیف گسترده‌ای از زبان‌ها، دوگان ساخت‌ها اغلب منعکس‌کننده معانی/ مفاهیم همگون و
مشترکی مانند جمع، شدت، افزایش، تأکید، کثرت، تکرار، تداوم، کمال و تمامیت است. از سوی
دیگر، در برخی زبان‌ها، دسته‌ای از دوگان ساخت‌ها منعکس‌کننده معانی/ مفاهیمی مانند کاهش،
تقلیل، تضعیف، بی‌نظمی و تحقیر هستند؛ مسئله‌ای که به‌ظاهر در تضاد با اصل
تصویرگونگی کمیت، و نیازمند توجیه و تبیین است.

ریگر (1998) در مدل و طرح خویش بر اساس اصول تصویرگونگی و گسترش معنایی و با

استناد به داده‌ها و شواهد میان‌زبانی، دوگان‌ساخت‌ها را مورد بررسی و تحلیل معنایی قرار داده است. او آن‌ها را بر اساس مقوله‌های معنایی عام طبقه‌بندی، و مفاهیم به‌ظاهر متناقض آن‌ها را توجیه و تبیین کرده است.

۱-۷. تصویرگونگی و گسترش معنایی

ریگر (1998) با نتیجه‌گیری از مطالعه میان‌زبانی خود، اشتراکات و همگونی‌های معنایی دوگان‌ساخت‌ها در زبان‌های مختلف را حاصل عملکرد دو عامل تصویرگونگی و گسترش معنایی دانسته و آن را بر اساس این دو عامل توجیه و تبیین کرده است. او سه معنا/ مفهوم تکرار، جمع و کودک^{۳۵} را مفاهیم اصلی و اولیه مرتب با دوگان‌ساخت‌ها در نظر گرفته و معتقد است معانی/ مفاهیم ثانوی مرتب با دوگان‌ساخت‌ها، حاصل عملکرد عامل دوم یعنی گسترش معنایی است. مفاهیم/ معانی ثانوی ذکرشده در مدل ریگر عبارت‌اند از: شدت^{۳۶}، گسترش و پراکندگی^{۳۷}، تداوم^{۳۸}، کوچکی^{۳۹} و دل‌بستگی^{۴۰}. مفاهیم/ معانی رده سوم، یعنی مفاهیم حاصل از گسترش معنایی مفاهیم رده ثانوی هم عبارت‌اند از: ناهمگونی^{۴۱}، آشفتگی^{۴۲}، کمال^{۴۳}، تضعیف^{۴۴} و تحقیر^{۴۵}.

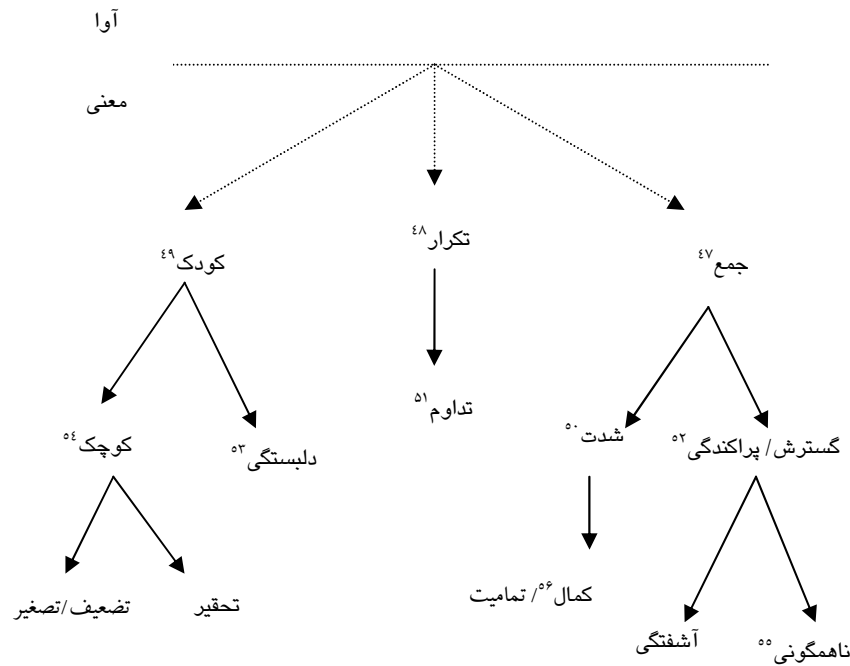
ریگر با استناد به اصل تصویرگونگی کمیت، ارتباط مفاهیمی مثل جمع، تکرار، تداوم و شدت را با دوگان‌ساخت‌ها بدیهی و بی‌نیاز از اثبات دانسته است. اما در اثبات ارتباط میان مفهوم کودک با دوگان‌ساخت‌ها، به دو نکته استناد کرده است: اول اینکه در اغلب زبان‌ها، سخن‌گویان هنگام صحبت با کودکان از ساخت‌های زبانی مکرر (دوگان‌ساخت) استفاده می‌کنند (جوجه ← جوجو، نان ← نونو، اتومبیل ← قام‌قام، کودک ← نی‌نی) و دوم اینکه کودکان مراحل اولیه فراگیری زبان^{۴۶} را با به‌کار گرفتن ساخت‌های مکرر آغاز می‌کنند. ریگر با استناد به این دو نکته نتیجه گرفته است که رابطه میان دوگان‌ساخت‌ها با مفهوم کودک، طبیعی و تصویرگونه است. ریگر در توجیه و تبیین چرایی رابطه میان دوگان‌ساخت‌ها با مفاهیمی مثل کاهش، تضعیف، تقلیل و تحقیر، دخالت عامل دوم یعنی گسترش معنایی را مطرح کرده است. او معتقد است این عامل در کنار عامل اول، یعنی تصویرگونگی، می‌تواند به‌طور هم‌زمان عمل کند. هر مفهومی می‌تواند هم به‌طور درزمانی و هم به‌طور هم‌زمانی گسترش معنایی یابد.

برای مثال، یک دوگان‌ساخت پس از پیوند با مفهومی خاصی، می‌تواند با گذشت زمان، با مفاهیمی که با مفهوم اول در فضای مفهومی مشترکی جای می‌گیرند پیوند برقرار کند. در واقع، این همان فرایندی است که ریگر آن را گسترش معنایی می‌نامد؛ فرایندی که می‌تواند به‌طور زنجیره‌ای تکرار شود و معانی / مفاهیم بیشتری را دربرگیرد (Bybee et al., 1994; Haiman et al., 1991; Lakoff, 1987; Sweete, 1990). برای مثال، مفهوم تکرار از این طریق می‌تواند با مفهوم تداوم پیوند برقرار کند؛ از این‌روست که در زبان‌های مختلف، دوگان‌ساخت‌هایی یافت می‌شوند که مفهوم تکرار و تداوم و یا هر دو مفهوم را با هم نشان می‌دهند.

پیوند میان مفهوم «کودک» و مفهوم تحقیر نیز با همین فرایند- گسترش معنایی زنجیره‌ای- تحقق می‌یابد. به بیان دیگر، گسترش معنایی مفهوم کودک و تعلق مفاهیم کودک، کوچکی و تحقیر به یک حوزه مفهومی / معنایی واحد، ظهور دوگان‌ساخت‌هایی را در پی دارد که از آن‌ها معنای تحقیر افاده می‌شود. ریگر بر اساس عملکرد مشترک دو عامل تصویرگونگی و گسترش معنایی، نظریه خویشت در تحلیل معنایی دوگان‌ساخت‌ها را در مدل شکل شماره ۲ ارائه کرده است. شکل شماره ۲ دو نشان‌دهنده مدعای اصلی نظریه ریگر مبنی بر عملکرد مشترک دو عامل تصویرگونگی و گسترش معنایی در تبیین و توجیه همگونی‌های معنایی میان‌زبانی دوگان‌ساخت‌هاست.

همچنین، ریگر بر این نکته تأکید کرده است که در بسیاری از زبان‌ها، دوگان‌ساخت‌های زیادی یافت می‌شوند که با بیش از یک مقوله معنایی- از معانی / مفاهیم مندرج در مدل او- پیوستگی نشان می‌دهند. او با بیان این مسئله، از دوگان‌ساخت‌هایی سخن گفته است که در آن‌ها هم‌پوشانی یا تداخل معنایی وجود دارد و می‌توانند دو یا بیشتر از معانی / مفاهیم مندرج در جدول را منعکس کنند.

دوگان‌سازی



شکل ۲ مدل ریگر عملکرد مشترک تصویرگونگی و گسترش معنایی

(برگرفته از Regier, 1998: 888)

۷-۲. تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌های فارسی و مدل ریگر

مدل ریگر در تحلیل معنایی دوگان‌ساخت‌ها و تبیین معانی گاه متضاد (نک. شکل ۲ مدل ریگر) این نوع ساخت‌ها- بر اساس دو اصل تصویرگونگی و گسترش معنایی- از قابلیت‌های تبیینی بسزایی برخوردار است. تاکنون، در چند پژوهش انجام‌شده در زمینه تحلیل و طبقه‌بندی معنایی دوگان‌ساخت‌ها، مدل او به‌کار رفته است؛ از جمله پژوهش کاجیتانی (2005). اما به نظر نگارندگان، وجود برخی پیش‌فرض‌های اثبات‌نشده و اشکالات دیگری که به آن اشاره خواهد شد، دامنه قابلیت‌های تبیینی مدل ریگر را محدود کرده است. در این پژوهش معنایی گسترده در باب دوگان‌ساخت‌های فارسی، نگارندگان همه پیش‌فرض‌های اثبات‌نشده و دیگر اشکالات و

محدودیت‌های مدل ریگر را کنار گذاشته و با بهره‌گیری از ساختار کلی آن، انواع دوگان‌ساخت‌های فارسی را طبقه‌بندی و در قالب چندین فهرست مجزا ارائه کرده‌اند. هریک از دوگان‌ساخت‌های مندرج در هر فهرست با معنا/معانی قیدشده در آن فهرست مرتبط‌اند. بنابراین، در این طبقه‌بندی معنایی از دوگان‌ساخت‌های فارسی، هر فهرست نشان‌دهنده طبقه‌ای از دوگان‌ساخت‌های موجود در زبان فارسی است.

محدودیت‌ها و اشکالات مدل ریگر را می‌توان به‌اجمال چنین برشمرد:

۱. تحدید تعداد معانی اولیه مرتب با دوگان‌ساخت‌ها به سه معنا/ مفهوم «تکرار»، «جمع» و «کودک» (نک. شکل ۲).
۲. لحاظ کردن معنا/ مفهوم کودک به‌عنوان یکی از معانی اولیه مرتب با دوگان‌ساخت‌ها؛ این مسئله با هیچ‌یک از اصول پذیرفته‌شده تصویرگونی، به‌ویژه اصل تصویرگونی کمیت، همخوانی ندارد.
۳. اولیه و اصلی شمردن ارتباط برخی معانی با دوگان‌ساخت‌ها و ثانوی شمردن ارتباط برخی دیگر؛ برای این مورد هیچ‌گونه استدلال، تبیین و یا شواهد زبانی ارائه نشده است (نک. شکل ۲).
۴. گنجانده نشدن یکی از مهم‌ترین معانی مرتب با دوگان‌ساخت‌ها (معنای افزایش^۷ / فزونی) در طرح ریگر (نک. شکل ۲).

۷-۳. طبقه‌بندی معنایی دوگان‌ساخت‌های فارسی

پیش از ارائه این طبقه‌بندی و فهرست‌های مربوط به آن، ذکر نکات زیر ضروری به‌نظر می‌رسد:

الف. نگارندگان این طبقه‌بندی معنایی را پس از پژوهشی گسترده در زمینه دوگان‌ساخت‌های فارسی طراحی کرده و در قالب فهرست‌های شماره ۱ تا پنج ضمیمه این مقاله ارائه کرده‌اند.

ب. این فهرست‌ها بر اساس مدل تجدیدنظرشده ریگر، چارچوب کلی مدل ریگر با لحاظ ملاحظات و تعدیل‌های (و رفع محدودیت‌ها و اشکالات) ذکرشده در بخش «۷. تصویرگونی دوگان‌ساخت‌ها مدل ریگر» همین مقاله تهیه شده‌اند.

ج. رفع ابهام و تعیین قطعی طبقه برخی از دوگان‌ساخت‌ها با مراجعه به گویشوران فارسی‌زبان و ثبت نظرهای آنان صورت گرفته است.



د. تعدادی از دوگان ساخت‌های فارسی به دلیل گسترش معنایی‌شان، می‌توانند منعکس‌کنندهٔ بیش از یک معنا باشند؛ در نتیجه در بیش از یک فهرست جای می‌گیرند. هـ به دلیل تعدد معانی مرتبط با دوگان ساخت‌ها و به تبع آن تعدد طبقات معانی این نوع ساخت، در این پژوهش فقط طبقات مهم موردتوجه قرار گرفته‌اند. طبقه‌بندی معنایی دوگان ساخت‌ها در زبان فارسی به این شرح است:

جدول ۲ واژه‌های دوگان ساخت بیانگر معنا/ معانی عام: فزونی (افزایش)

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام	پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	فزونی ^۱ (افزایش) تعداد زیادی از X*		
پارچه ← پر از نقش گل	+	گل	گل‌گی
گیسوان ← دارای پیچ‌وتاب‌های متعدد	+	فر	فرفری
لباس، پارچه ← دارای پارگی‌های متعدد	+	پاره	پاره‌پاره
دارای سوراخ‌های متعدد	+	سوراخ	سوراخ‌سوراخ
جاده ← دارای پیچ‌های زیاد	+	پیچ	پیچ‌پیچ
جاده ← دارای پیچ‌های زیاد	+	پیچ	پیچ‌واپیچ
مشمول بر رنگ‌های متعدد	+	رنگ	رنگ‌وارنگ
متنوع دارای انواع زیاد	+	جور	جورواجور
دارای اتاق‌های یا دهلیزهای متعدد که با هم مرتبط باشند	+	تو	تودرتو
مامان مشق‌هایم را علی خط‌خطی کرده	+	خط	خط‌خطی
پارچه ← شطرنجی، دارای چارخانه‌های ریز	+	چارخون	چارخونه‌چارخونه
کمد ← دارای طبقات متعدد	+	طبقه	طبقه‌طبقه
تمام بدنش بر اثر ضربات چاقو چاک‌چاک شده بود	+	چاک	چاک‌چاک
بعد از خواندن نامه را جرواجر کرد	+	جر	جرواجر
پارچه ← دارای نقش خطوط عمودی یا افقی متعدد	+	راه	راه‌راه
دارای دندان‌های متعدد	+	دندانه	دندان‌دندان

* X نشان‌دهندهٔ معنای پایه است.

جدول ۳ واژه‌های دوگان ساخت بیانگر معنا/معانی عام: فزونی (افزایش)

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام		پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	فزونی (افزایش)	X و مانند آن		
آجیل و تنقلات مانند آن	+		آجیل	آجیل‌ماجیل
میوه و خوراکی‌های مانند آن	+		میوه	میوه‌پیوه
اثاث و دیگر لوازم موردنیاز	+		اثاث	اثاث‌مناث
آچار و دیگر ابزار کار مانند آن	+		آچار	آچار‌ماچار
لباس و دیگر لوازم شخصی مانند آن	+		لباس	لباس‌مباس
منقل و متعلقات آن	+		منقل	منقل‌پنقل
بقال و دیگر کسبه مانند آن	+		بقال	بقال‌چقال
شیشبه و دیگر اشیاء مانند آن	+		شیشبه	شیشبه‌میشبه
سبزی و خوراکی‌های مانند آن	+		سبزی	سبزی‌مبزی
چراغ و دیگر لوازم مانند آن	+		چراغ	چراغ‌مراغ
سکه و مانند آن	+		سکه	سکه‌مکه
کتاب و دیگر لوازم تحصیل	+		کتاب	کتاب‌متاب
بچه و افراد وابسته دیگر (همسر)	+		بچه	بچه‌مچه
آشغال و دیگر چیزهای دورریختنی	+		آشغال	آشغال‌پاشغال

جدول ۴ واژه‌های دوگان ساخت بیانگر معنا/معانی عام: تکرار - تداوم

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام		پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	تداوم X ^ه	تکرار X		
خوردن مکرر و مداوم غذا توسط گروهی از افراد	+	+	بخور	بخوربخور
منازعه و زدوخورد میان دو گروه از افراد	+	+	بزن	بزن‌بزن
قتل‌عام جمع‌کنیری از مردم	+	+	بکش	بکش‌بکش
دویدن‌های مداوم و مکرر	+	+	بدو	بدو‌بدو



ادامهٔ جدول ۴

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام		پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	تداوم X	تکرار X		
جهیدن‌های مداوم و مکرر	+	+	ورجه	ورجه‌ورجه
پرسیدن مکرر آدرس در مسیر تا رسیدن و یافتن مقصد	+	+	پرسان	پُرسان پُرسان
تکرار بانگ «نوش» در جمع می‌خواران	+	+	نوش	نوشانوش
فریاد کشیدن مکرر و مداوم	+	+	هوار	هوارهوار
پردیدن به دفعات زیاد	+	+	بپر	بپرپر
تعقیب و دستگیری مکرر و مداوم افراد	+	+	بگیر	بگیربگیر
مثل اینکه بکش‌مکش میان این دو طائفه تمامی ندارد	+	+	بکش	بکش‌مکش
بالاخره بعد از یک‌سال کش‌واکش طرفین مصالحه کردند	+	+	کش	کش‌واکش
انگار بگو‌مگوی میان علی و رضا تمامی ندارد	+	+	بگو	بگو‌مگو
شکستن مکرر و مداوم	+	+	بشکن	بشکن‌بشکن

جدول ۵ واژه‌های دوگان‌ساخت بیانگر معنا/ معانی عام: آشفنگی (بی‌نظمی)

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام		پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	پراکندگی ^۲ گسترش	آشفنگی (بی‌نظمی)		
بی‌نظمی، آشوب و پراکندگی هرج و مرج	+	+	شیر	شیرتوشیر
شلوغی و ازدحام و بی‌نظمی	+	+	شلوغ	شلوغ‌پلوغ
بی‌نظمی و پراکندگی اشیاء	+	+	پخش	پخش‌وپلا
درهم‌برهم، مخلوط، بهم‌ریخته	+	+	قاطی	قاطی‌پاتی
آشفنگی و بهم‌ریختگی اشیاء و وسایل	+	+	ریخته	ریخته‌پیخته

ادامه جدول ۵

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام		پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	پراکندگی گسترش	آشفتگی (بی‌نظمی)		
بی‌نظمی، آشوب و بی‌قانونی	+	+	خر	خرتوخر
بی‌نظمی بی‌قانونی	+	+	هرکی	هرکی‌هرکی
سخنان آشفته و پراکنده	+	+	پرت	پرت‌وپلا
به‌هم‌ریخته و آشفته	+	+	درهم	درهم‌وبرهم
آشفته، بی‌نظم	+	+	شوربا	شلم‌شوربا
به‌هم‌ریختگی و پراکندگی اشیاء و وسایل	+	+	پخش	پروپخش
سخنان آشفته و پراکنده	+	+	پرت	چرت‌وپرت
بی‌حساب و کتاب اموالی را غارت کردن	+	+	هپو	هپل‌هپو
سخنان آشفته و پراکنده	+	+	چرند	چرندپرند

جدول ۶ واژه‌های دوگان ساخت بیانگر معنا/ معانی عام: توزیع^{۹۹}

معنا در بافت جمله/ مثال	معنا/ معانی عام	پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	توزیع		
قطره‌قطره جمع گردد وانگهی دریا شود	+	قطره	قطره‌قطره
شیشه خرده‌ها را زره‌زره جمع کرد	+	زره	زره‌زره
شاه‌توت‌ها را دانه‌دانه می‌چید و در سبد می‌گذاشت	+	دانه	دانه‌دانه
قاشق‌قاشق آب میوه را در دهان کودک ریخت	+	قاشق	قاشق‌قاشق
گل‌ها را یکی‌یکی پرپر کرد	+	یکی	یکی‌یکی
آب حوض را سطل‌سطل خالی کرد	+	سطل	سطل‌سطل
یک بطری نوشابه را لیوان‌لیوان سرکشید	+	لیوان	لیوان‌لیوان
انگورها را خوشه‌خوشه در جعبه چید	+	خوشه	خوشه‌خوشه



ادامهٔ جدول ۶

معنا در بافت جمله / مثال	معنا/ معانی عام	پایه (X)	واژه‌های دوگان ساخت
	توزیع		
دانش‌آموزها را دوتادوتا بفرست بروند	+	دوتا	دوتادوتا
باید دارو را چکه‌چکه در چشمش بچکانی	+	چکه	چکه‌چکه
گوجه‌ها را سبب‌سبب برد تو حیاط	+	سبب	سبب‌سبب
جهیزیه را طبق‌طبق به خانهٔ داماد بردند	+	طبق	طبق‌طبق
پارچه را تکه‌تکه کرد و هر تکه را به یک نفر داد	+	تکه	تکه‌تکه
این روزها مردم کارتن‌کارتن میوه می‌خرند	+	کارتن	کارتن‌کارتن

۸. نتیجه‌گیری

رابطهٔ صورت و معنا در دوگان‌ساخت‌های فارسی، مانند اغلب زبان‌ها، در چارچوب نظریهٔ عام تصویرگونگی و اصل تصویرگونگی کمیت، به‌طور خاص تبیین‌پذیر است. طبقه‌بندی معنایی ارائه‌شده از دوگان‌ساخت‌های فارسی - حاصل این پژوهش^{۶۰} - نشان‌دهندهٔ ارتباط این نوع ساخت با معانی/ مفاهیمی مثل فزونی، کثرت، تداوم، تکرار، پراکندگی، توزیع و... در زبان فارسی است. این طبقه‌بندی مؤید حضور گرایش جهانی یادشده در دوگان‌ساخت‌های فارسی بوده و نیز تأییدی است بر انگیزگی^{۶۱} این نوع ساخت و تأثیر انگیزهٔ تصویرگونگی - اصل تصویرگونگی کمیت - در تعیین ساختار صوری آن.

۹. پی‌نوشت‌ها

۱. جست‌وجوی نگارنده برای یافتن پژوهش یا رساله‌ای داخلی درباب تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها (reduplicative constructions) بی‌نتیجه بوده و از این‌رو در فهرست منابع فارسی این مقاله عنوان رساله‌ای در این باب ذکر نشده است.

2. reduplication
3. iconicity
4. quantity principle
5. complexity principle

6. semantic extension
7. Terry Regier
8. Zhang
9. Tsao
10. Conradie
11. Affricaans
12. G. Lakoff
13. M. Johnson
14. M. Hiragara
15. plurality
16. increased quantity
17. repetition
18. intensification
19. Ghomeshi et al.
20. “reduplication in persian: a morphological doubling appraoch”
21. morphological doubling
22. Martin Haspelmath
23. Marantz
24. Andrew Spencer
25. affixation
26. O'Grady and Guzman
27. Mark Aronoff
28. syntactic repetition
29. frozen binomial constructions
30. coordinative constructions
31. phonological coherence
32. iconicity of complexity
33. reduplicant
34. kouwenberg and Lacharité
35. baby
36. intensity
37. spread, scatter
38. continuation
39. smallness
40. affection
41. non-conformity
42. lack of control
43. completion
44. attenuation
45. contempt
46. babbling period
47. plural
48. repetition
49. baby
50. intensity
51. continuation



- 52. spread, scatter
- 53. affection
- 54. small
- 55. non- uniformity
- 56. completion
- 57. augmentation (increase of quantity)
- 58. continuation
- 59. distribution (one at a time)

۶۰. طبقه‌بندی معنایی ارائه‌شده از دوگان‌ساخت‌های فارسی یکی از نتایج این پژوهش است که برای اولین بار تدوین و ارائه شده است.

- 61. motivation

۱۰. منابع

- زاکری، مصطفی. (۱۳۸۱). *اتباع و مهملات در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شریفی مقدم، آزاده. (۱۳۸۵). *پژوهشی پیرامون تصویرگونگی در واژگان و عناصر صرفی- نحوی زبان فارسی*. رساله دکتري. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۷۹). «فرایند تکرار در زبان فارسی». در *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- غنی‌آبادی، سعید. (۱۳۷۵). *رابطه بین صورت و نقش در نحو و ساختواژه زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مشیری، مهشید. (۱۳۷۹). *فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی*. تهران: آگاهان ایده.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- Aronoff, M. (1976). *Word Formation in Generative Grammar* (Linguistic inquiry Monographs; 1) Cambridge MA: MIT Press.
- Botha, R. P. (1988). *From and meaning in word formation: a study of Affricauns reduplication*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bybee, I., R. Perkins & W. Pagliuca. (1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect, Modality in the Languages of the world*. University of Chicago Press.
- Conradie, C. J. (2003). "The iconicity of Afrikaans reduplication." In G. Muller Wolfgang & Olga Fischer (eds.). *From Sign to Signing*. pp. 203-223.

Philadelphia: John Benjamins.

- Fischer, O. & M. Nanny (eds.) (2001). "The Motivated sign". *Iconicity in Language and Literature 2*. Philadelphia: John Benjamins.
- Ghomesh, J., S. Ghaniabadi & N. Sadat-Tehrani. (2006) "Reduplication in Persian: A morphological Doubling Approach Actes du congres annuel de l'Association canadienne de linguistique 2006". *Proceedings of 2006 annual conference of the Canadian linguistic Association*. 2006 saeed ghaniabadi, Jila Ghomeshi, Nima sadat-Tehrani.
- Ghomeshi, J., R. Iackendoff, N. Rosen & K. Russel. (2004). Contrastive focus: "Reduplication in English (the salad salad paper)". *Natural language and Linguistic Theory*. 22. pp. 307-357.
- Gil, D. (2005). "From Repetition to reduplication in Riau indonesian". In Hurch. *Studies Reduplication*. pp. 31-64.
- Grax database on Reduplication [http:// Reduplication. Uni-grax.AT](http://Reduplication.Uni-grax.AT)
- Haiman, J. (ed.) (1985). "Iconicity in Syntax". Amsterdam: John Benjamins.
- _____ (1983). "Iconic and Economic Motivation". *Language*. no. 59. pp. 4: 781-820.
- _____ (1999). "Action, Speech, and grammar: the sublimation theory". *Form Miming meaning*. ed. Max Nanny and Olga Fischer. pp. 37-57. Philadelphia: John Benjamins.
- Hutter, M and G. Hutter. (1997). "Reduplication in Ndyuka". In Arthur Spears and Donald Winford (eds.). *The structure and status of pidgins and creols: including selected papers from the Meeting of Society of pidgin and creole linguistics*. Amsterdam, philadelphia: John BenJamins pulishing Company. pp. 414-495.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding Morphology*. London: Arnold
- Heine, B., U. Claudi & F. Hunnemeyer. (1991). *Grammaticalization: A Conceptual Framework*. Chicago: University of Chicago press.
- Hiraga, M. K. (1994). "Diagrams and metaphors: iconic aspects in language". *Journal of Pragmatics*. no. 22. pp. 5-21.



- Inkelas, S. & Z. Cheryl. (2005). *Reduplication: Doubling Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kouwenberg, S. (2003). *twice as meaningful: Reduplication in pidgins, creoles and other Contact Languages*. London: Battlebridge Publications.
- Kouwenberg, S. & D. Lachartité. (2001). "The iconic interpretation of reduplication: issues in the study of reduplication in caribbean Creol languages". *European Journal of English studies*. vol. 5. pp. 59-80.
- Lakoff, G., & M. Johnson. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1987). *women, fire, and Dangerousvs things*. Chicago: University of chigago press.
- Marantz, A. (1982). "Re reduplication". *Linguistic Inquiry*. 13. pp. 435-488
- O'Grady, O. W. & V. P. de Guzman. (1996). "Morphology: The analysis of word structure". In O. W O'Grady, M. Dobrovolsky & F. Katamba (eds.). *Contemporary linguistics: An Introduction*. UK: Addison Longman Limited.
- Regier, T. (1998). "reduplication and the arbitrariness of the sign". In Proceedings of the *Twentieth Annual conference of the Cognitive Science Society*. M. Gernbacher & S. Derry (eds.). pp. 887-892. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates. <http://www.psych.unchicago.edu/~regier/papers/redup-cogsci98.pdf> (Last accessed on March 21, 2005).
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory*. UK: Blackwell.
- Tsao, F. (2001). "Semantics and syntax of verbal and adjectival reduplication in Mandarin and Taiwanese Southern Min". *Sinitis Grammar: Synchronic and Diachronic perspectives*. Hilary Chappell (ed.). pp. 285-308. New York: Oxford University Press.
- Zhang, M. (1999). "A comparative study on semantic models of reduplicativeforms across Chinese dialects". *Synchronic and Diachronic Perspectives on the Grammar of Sinitic Languages*. Yunji Wu (ed.). pp. 1-33. Guangzhou: Jinan University Press.